

احمدعالتیان ادر ادامه مرور سوره کوتاه نصر به آیه دوم این سوره می‌پردازیم که خداوند متعال می‌فرماید: «وَوَآيْتَنَا الْفَاسُ يَذْخُلُونُ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا. و مردم را ببینی که گروه‌گروه در دین خدا درآیند.»

خداوند در آیه اول فرموده بود: «وَإِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ: هَنَّاكُمِ كَيْ بَارِي خُدا و پیروزی فرامی‌رسد.» یعنی وقتی پیامبر (ص) و مسلمانان در سال هشتم هجری، مکه را فتح کردند و پیروز شدند، دیدند که مردم دسته دسته مسلمان می‌شوند.

در آن زمان، گروهی از مردم به خاطر حقانیت اسلام، ایمان آوردند و البته بعضی نیز از ترس به اسلام تظاهر کردند؛ نظیر ابوسفیان که امام علی (ع) درباره آنان فرمود: «ما اسلموا و لكن استسلموا و اسزوا الکفر: آنان در ظاهر مسلمان شدند، ولی در دل کافر ماندند.» (بحارالانوار ج ۳۲، ص ۳۲۵) در قرآن برای ایمان دو نوع دخول آمده است: یکی دخول مردم در دین که در این سوره می‌فرماید: «يَذْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ.» و دیگری دخول ایمان در دل مردم که در سوره حجرات می‌فرماید: «وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ: هنوز دین، داخل قلب‌های شما نشده است.» (حجرات، ۱۴).

اما در حدیث دیگری می‌خوانیم: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) ظهور کند، مردم دنیا فوج فوج به او ایمان می‌آورند.» (تفسیر نورالقلین ج ۱۰، ص ۶۲۵)

یعنی وقتی حقانیت دین و مسیر الهی با پیروزی بر دشمنان مشخص می‌شود، مردم خودبه‌خود به راه راست، تمایل پیدا می‌کنند.

در این شب و روزها که پیروزی‌هایی در مقابل استکبار جهانی کسب کرده‌ایم، نیز در مقیاس بسیار کوچک‌تری از پیروزی‌های صدر اسلام مشاهده می‌کنیم که در شبکه‌های اجتماعی، مردم کشورهای مختلف، ارادت خود به جمهوری اسلامی ایران را فریاد می‌زنند. مرد و زن و پیر و جوانی که پیروزی ایران را می‌بینند، توجّهشان به جبهه مقاومت و ظلمی جلب می‌شود که استکبار جهانی در این سال‌ها، در قالب تحریم و ترور و جنگ، به مردم این جبهه روا داشته است. پس در سمت درست تاریخ می‌ایستند.

دعا برای پدر و مادر؛ موجب بخشش گناهان فرزند

عدالتیان یکی از دعاهایی که از امام سجاد زین العابدین (ع) در کتاب شریف صحیفه سجاده نقل شده، دعای ایشان برای پدر و مادر است که ضمن این دعا به ما می‌آموزند چگونه با دعا در حق والدین خود، به ایشان نیکی کنیم و در ضمن گناهان خودمان را نیز از بین ببریم.

در بخشی از این دعا که به نوعی آموزه‌ای برای تربیت همدمند اسلامی است، می‌خوانیم: «اللهم خفف لهما صوتی، وأطب لهما کلامی، وألن لهما عربیتی. واعطف علیهما قلبی، و صیرنی بهما رفیقاً و علیهما شفیقاً... اللهم لا تسنی ذکرهما فی أدمار صلواتی. و فی إنا من آتاء لیلی، و فی کل ساعة من ساعات نهاری... اللهم صل علی محمد و آله، و اغفر لی بدعائی و اغفر لهما بیزهما بی...: خدایا! صدایم را در گوششان، ملایم ساز و سختم را برایشان خوشایند کن و خویم را برایشان نرم ساز و دلم را برایشان مهربان کن و مرا نسبت به آن دو، سازگار و مشفق گردان. خدایا! در پی نمازها و در قسمتی از اوقات شب و در ساعتی از ساعات روزم، ذکر ایشان را از یادم میر... خدایا! بر محمد و آل او رحمت فرست و مرا به وسیله دعایم درباره ایشان، و ایشان را به سبب مهربانی‌شان درباره من، مشمول آمرزش حتمی قرار ده!»

حضرت در این فراز، از خداوند متعال درخواست می‌کنند که به سبب دعا برای پدر و مادر، از گناهان ایشان بگذرد و این دعا وسیله‌ای باشد تا حضرت باری تعالی به ما نگاه کند و ما را ببخشد.

خود حضرت امام سجاد (ع)، زحمات و خوبی‌های مادر گرامی‌شان را این‌گونه پاسخ می‌دادند که با مادرشان بر سر یک سفره غذا نمی‌خوردند و می‌فرمودند: «بیم آن دارم که دستم را به سوی لقمه‌ای دراز کنم که مادرم به آن چشم داشته باشد و بدین ترتیب از من دلگیر شود.»

نماز؛ سفری متفاوت به دنیای درون

بسیاری از ما نماز را به عنوان یک وظیفه دینی می‌شناسیم؛ عملی که باید در زمان‌های مشخص انجام شود. اما کتاب «نماز باحال»، نوشته سید کاظم روح بخش، تلاش می‌کند نگاه تازه‌ای به این عبادت ایجاد کند؛ نگاهی که نماز را نه یک عادت تکراری، بلکه سفری جذاب به دنیای درون انسان معرفی می‌کند.

کتاب با زبانی صمیمانه، طنزآلود و داستان‌گونه، خواننده را همراه خود به یک ماجراجویی معنوی می‌برد. نویسنده برای توضیح مفاهیم درونی انسان، از تصویرسازی‌های خلاقانه استفاده کرده است؛ جایی که دنیای درون به شهری تشبیه می‌شود که قلب میدان اصلی آن است و مغز نقش برج فرماندهی را دارد. چنین مثال‌هایی، کمک می‌کند مفاهیم پیچیده به سادگی قابل درک شوند و خواننده، ارتباط عمیق‌تری با موضوع برقرار کند.

یکی از بخش‌های جذاب کتاب، «سفر به دنیای درون» است؛ بخشی که علاوه بر پرداختن به نماز، به خودشناسی و رشد فردی نیز توجه دارد. در این نگاه، نماز فرصتی برای مکث، گفت‌وگو با خداوند و رسیدن به آرامش درونی است؛ لحظه‌ای که می‌تواند انسان را از شلوغی‌های ذهنی و استرس‌های روزمره دور کند. از ویژگی‌های قابل توجه «نماز باحال»، این است که فقط به بیان اهمیت نماز بسنده نمی‌کند، بلکه راهکارهایی ارائه می‌دهد که نماز به تجربه‌ای عمیق‌تر و لذت‌بخش تبدیل شود. همچنین در بخشی از کتاب با موضوع «چگونه دیگران را به نماز دعوت کنیم؟»، نگاهی اجتماعی و الهام‌بخش به این موضوع ارائه شده است که کمتر در کتاب‌های مشابه دیده می‌شود.

این اثر که انتشارات «واژه‌پرداز اندیشه» منتشر کرده، بیش از هر چیز برای نوجوانان نوشته شده است؛ نوجوانانی که به دنبال نگاهی تازه و جذاب به دین هستند. با این حال والدین و مربیانی که می‌خواهند درباره نماز با نسل نوجوان گفت‌وگویی مؤثر و صمیمی داشته باشند، نیز می‌توانند از این کتاب بهره ببرند. «نماز باحال» تلاشی است برای نشان دادن اینکه دین داری می‌تواند شیرین، الهام‌بخش و حتی ماجراجویانه باشد؛ کافی است زاویه نگاهمان را کمی تغییر دهیم.

نماز باحال

همان‌هایی که حلاوت هدایت را به ما چشاندند



سمانه رضوانی| وقتی صحبت از اهل بیت (ع) می‌شود، حرف برای گفتن بسیار است. آن‌ها فقط بستگان نزدیک پیامبر (ص) نبودند، بلکه الگوهایی کامل برای زندگی بهتر بودند. دعای «جامعه‌کبیره» به ما یاد می‌دهد که چگونه آن‌ها را با صفات ویژه‌شان بشناسیم. در فرازهایی از این دعا، اهل بیت (ع) به عنوان پیشوایان هدایت، چراغ‌های تاریکی، پرچم‌های تقوا و پرهیزکاری، صاحبان خردهای عمیق و اندیشه‌های ناب معرفی شده‌اند. این صفات یعنی آن‌ها هم راه را بلد بودند، هم راه را به دیگران نشان می‌دادند و هم خودشان نمونه کامل انسانیت بودند.

پرچم‌های تقوا؛ بالاترین نشانه پرهیزکاری

پرچم، علامت بزرگی است که همه آن را می‌بینند. اهل بیت (ع) پرچم‌های تقوا هستند، یعنی بزرگ‌ترین و بلندترین نشانه پرهیزکاری. در جان و رفتار این بزرگواران دیده می‌شود. تقوا یعنی «خودنگه‌داری» از کارهای زشت، یعنی مراقب باشی چیزی به خودت و دیگران آسیب نزنند. اهل بیت (ع) طوری زندگی می‌کردند که حتی دشمنانشان هم به درستی و درستکاری آن‌ها اعتراف داشتند. آن‌ها نزدیک گناه هم نمی‌شدند. دیدن زندگی آن‌ها مثل این است که یک پرچم بزرگ و بلند را در بلندی یک کوه نصب کنیم. هرکه این پرچم را ببیند، می‌فهمد که باید به سمت پاکی و درستی حرکت کند. آن‌ها نه تنها خودشان متقی بودند، بلکه به دیگران نیز یاد می‌دادند که چگونه بنده خوبی برای خدا باشند.

چراغ‌های تاریکی؛ نور امید در سختی‌ها

عبارت زیبایی «مصایب‌الدجی» یعنی چراغ‌هایی در دل تاریکی. همه ما شب را تجربه کرده‌ایم. شب ترس دارد، نامعلومی دارد و آدم نمی‌داند چه چیزی پیش روست. اما همین که یک چراغ در آن تاریکی روشن شود، همه چیز فرق می‌کند. اهل بیت (ع) در زمان خودشان، در میان سخت‌ترین مشکلات و ظلم‌ها زندگی می‌کردند. اما هیچ‌وقت ناامید نشدند و نور امید و حقیقت را زنده نگه داشتند؛ برای مثال، امام حسین (ع) در کربلا با آن مصیبت بزرگ، چراغی شد که هنوز قرن‌هاست مسیر مبارزه با ظلم و استبدادگی برای حق را روشن نگه داشته است یا امام صادق (ع) در زمانی که بساط گمراهی پهن بود، با علم و دانش خود، تاریکی جهل را از بین برد. آن‌ها نورند و هرکه به آن‌ها تمسک کند، از ترس ناشناخته‌ها و گمراهی در امان خواهد ماند.

عقل سلیم و دوراندیشی

«ذَوَى الثُّهَى» یعنی کسانی که خردهای محکم و کاملی دارند. ممکن است خیلی از ما خودمان را باهوش بدانیم، کتاب خوانده باشیم یا مدرک تحصیلی بالا داشته باشیم، اما «خرد ناب» چیز دیگری است. خرد درحقیقت پیامبر درونی انسان هاست. اهل بیت (ع) بالاترین درجه خرد را داشتند؛ هیچ‌وقت احساساتی و عجولانه تصمیم نمی‌گرفتند. همیشه بهترین و درست‌ترین کار را در هر شرایطی تشخیص می‌دادند. امام حسن مجتبی (ع) با آن صلح‌نامه تاریخی خود، نشان داد که یک عقل بزرگ و فراتر از احساسات معمولی، چه تصمیم‌درستی می‌تواند بگیرد تا اصل دین حفظ شود یا در رفتار امام علی (ع) می‌بینیم که هرگز زیر بار هوای نفس نرفتند و کارهایشان را برپایه عقلانیت و عدل انجام می‌دادند. این ویژگی یعنی آن‌ها بهترین مشاوران ما در سختی‌های زندگی هستند.

دارندگان اندیشه‌های ناب؛ فراتر از دانش معمولی

«أُولَى الْجَجَى» به کسانی می‌گویند که اندیشه‌های بسیار عمیق و بلندی دارند. اهل بیت (ع) فقط راهبردهای اخلاقی برای زندگی نداشتند، بلکه دریایی از علوم و دانش بودند؛ از علم تفسیر قرآن بگیرد تا علم پزشکی، سیاست، ریاضیات و... آن‌ها همیشه می‌گفتند درباره هر علمی، از ما بپرسید. آن‌ها بودند که اسلام را از تحریف و خرافات، نجات و نشان دادند که دین، هماهنگ با عقل پیش می‌رود. پیروی از اهل بیت (ع) یعنی ما هم یاد بگیریم درست فکر کنیم، سؤال بپرسیم و همیشه به دنبال عمق معنا باشیم. نه فقط ظاهر کلمات. آن‌ها چاه‌های عمیق حکمت و دانش اند که هرکه به آنان نزدیک شود، سیراب می‌شود.

راه را از چاه نشان می‌دهند

نخستین صفتی که در این فراز از دعا برای اهل بیت (ع) می‌خوانیم، «پیشوایان هدایت» است؛ هدایت یعنی راهنمایی کردن. حالا تصور کنید در یک بیابان بی‌نشان یا در یک شب تاریک، گرفتار شده‌اید و کسی بیاید و دستتان را بگیرد و با چراغی در دست، شما را سالم به مقصد برساند. اهل بیت (ع) دقیقاً چنین نقشی در زندگی ما دارند. در دنیایی که بعضی وقت‌ها خیلی چیزها آدم را گمراه می‌کند، مثل پول، قدرت یا مدهای زودگذر، اهل بیت (ع) به ما یاد می‌دهند که مسیر درست کدام است. پیروی از آن‌ها یعنی اینکه ما از راه‌هایی که به پشیمانی و ضرر ختم می‌شود، دور بمانیم. امامان معصوم (ع)، مثل یک نقشه‌راه دقیق و بی‌غلط هستند که خدا برای ما فرستاده است تا گم نشویم.

الگوی عبور از طوفان‌های زندگی

رضایت پروردگار و سربلندی دین است، سختی‌ها آسان و مشکلات، کوچک می‌شود. امروزه در عصری که بنیان خانواده‌ها گاه با کوچک‌ترین تلنگری فرومی‌ریزد، نگاه به سیره این زوج آسمانی، ضرورتی انکارناپذیر است. ازدواج ایشان، تلنگری است به ما تا ارزش واقعی بیوند مقدس زناشویی را دریابیم و بگوئیم در زندگی مشترکمان، سهمی از آن معنویت، صمیمیت، وفاداری و ایثار را بافرینی کنیم. روز ازدواج این زوج آسمانی، نه فقط یک جشن، بلکه فرصتی است برای تأمل در جایگاه خانواده، مسئولیت‌های زوجین و اهمیت الگویی از بهترین‌های تاریخ. باید پرسید که ما تا چه اندازه توانسته‌ایم از این الگوی بی‌نظیر بهره ببریم؟ آیا در انتخاب همسر، معیارهای معنوی را بر مادی ترجیح داده‌ایم؟ آیا در زندگی مشترک، روحیه ایثار و گذشت را در خود پرورش داده‌ایم؟ آیا در تربیت فرزندانمان، همانند ایشان، به پرورش روح و فضایل اخلاقی توجه کرده‌ایم؟ این روز بهترین پناه است تا با بازخوانی این سیره نورانی، گامی در راستای اصلاح و ارتقای زندگی خود برداریم و با اتکا به همان عشق و ایمانی که پیوند آن دو بزرگوار را جادوانه ساخت، خانواده‌ای قرین آرامش، محبت و معنویت بنا نهیم.

پوشیده نیست. امام علی (ع) که در اوج شجاعت، علم، تقوا و عدالت بود و حضرت فاطمه زهرا (ص) که سرور زنان دو عالم، مظهر عصمت، پاکی و مادر امامت بود، مکمل یکدیگر در مسیر پاسداری از رسالت الهی بودند. زندگی مشترک ایشان، صحنه‌ای بود که در آن زیباترین جلوه‌های ایثار، گذشت، همکاری و همراهی در دشوارترین شرایط به نمایش گذاشته شد. از سختی‌های نبرد و دفاع از حریم اسلام، گرفته تا تلاش‌های شبانه‌روزی برای تأمین معاش و تربیت فرزندان صالح، همواره همدلی و همراهی میان این زوج آسمانی موج می‌زد.

این ازدواج، فراتر از یک واقعه تاریخی، یک درس زندگی است؛ درس‌هایی که شاید در هیاهوی زندگی مدرن، کمتر به آن‌ها توجه کنیم. درس قناعت در عصر مصرف‌گرایی، درس ایثار در زمانه خودخواهی، درس احترام و تکریم همسر در نیای نابرابری‌ها و درس هم‌بستگی و تشکیل خانواده‌ای مستحکم برپایه معنویت. ازدواج آن دو بزرگوار به ما می‌آموزد که اساس یک زندگی پایدار، نه بر شکم‌سیری مادی، بلکه بر سیری روحی و معنوی بنا می‌شود. زمانی که دل‌ها به هم نزدیک است و هدف مشترک،



آرام مسعودی
طنیه و کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

و مهد تربیت منجی بشریت شود. در وصف عظمت این ازدواج، همین بس که حضرت خدیجه (ص) در زمان حیات خویش، پیامبر (ص) را از علقه قلبی حضرت زهرا (ص) به امام علی (ع) باخبر ساخت و پیامبر (ص) نیز از سوی پروردگار، مأمور به این امر مهم شد. آنچه در این ازدواج، بیش از هر چیز دل‌ها را به تسخیر درمی‌آورد، سادگی و معنویت حاکم بر آن است؛ در زمانی که بسیاری در جاهلیت، به رسم و رسوم مادی‌گرایانه و چشم‌وهم‌چشمی‌های پیچیده مشغول بودند. این دو گوهر یگانه، با حداقل امکانات و باتکیه بر غنای روحی و معنویت خویش، زندگی مشترکشان را آغاز کردند. مهریه حضرت زهرا (ص) که بخشش زره جنگی امام علی (ع) به یک نیازمند بود، وجهه‌ریزه ایشان که از ساده‌ترین و ضروری‌ترین وسایل زندگی تشکیل می‌شد، همه و همه درس‌هایی بزرگ از قناعت، ایثار و اولویت بخشیدن به ارزش‌های والای انسانی و معنوی است. این سادگی از سرفقر نبود، بلکه از اوج قناعت و وارستگی و دوری از تعلقات دنیوی، حکایت دارد. حکمت الهی در برگزیدن این زوج، برای آغاز سلسله امامت و هدایت بشر، بر کسی

در پهنه تاریخ پرفراز و نشیب بشریت، برهه‌هایی وجود دارند که چون نگین‌هایی درخشان، بر تارک زمان می‌درخشند و چراغ راه هدایت آیندگان می‌شوند. یکی از این برهه‌های نورانی، روز مبارک ازدواج حضرت فاطمه زهرا (ص)، پاره تن پیامبر اعظم (ص)، با مولای متقیان، امام علی (ع) جان پیامبر اسلام (ص) است. پیوندی که نه تنها نقطه عطفی در تاریخ اسلام، بلکه الگویی بی‌بدیل برای تمام اعصار و نسل‌ها در برپایی خانواده‌ای متعالی، برپایه عشق، ایمان، فداکاری و معنویت است. این پیوند الهی، آینه‌ای است که در آن، می‌توان بازتابی از زیباترین جلوه‌های انسانی و متعالی‌ترین درس‌های زندگی مشترک را مشاهده کرد. ازدواج، بنای مقدسی است که بر شالوده‌های مشترک بنامی‌شود؛ شالوده‌هایی چون تفاهم، احترام متقابل، همدلی و البته، عشق. اما ازدواج حضرت زهرا (ص) و امام علی (ع)، فراتر از تعاریف زمینی و روزمره، تجلی اراده الهی و تجدید پیمانی آسمانی بود. این پیوند، نه حایل انتخاب‌های صرفاً بشری، که هدایت‌شده از سوی پروردگار و با محوریت پیامبر (ص) صورت پذیرفت تا خانواده‌ای بنا نهاده شود که خود، بنیان‌گذار مکتبی الهی